

بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده

وکیل احمدی*

دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

وحید قاسمی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

شهلا کاظمی پور

دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشگاه تهران

چکیده

مسأله مورد تبیین نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناختی خانواده بود. آیا ساختار خانواده در مراحل مختلف گذار جمعیتی متفاوت است؟ از تئوری گذار جمعیتی اول و دوم به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شد. برای آزمون تجربی پژوهش از داده‌های ثانویه پیمایش جهانی ارزش‌ها و صندوق جمعیت سازمان ملل برای ۵۰ کشور استفاده شد. نتایج نشان داد که ساختار خانواده در کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است. کشورهایی مانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و ... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند خانواده‌گرایی در بین آن‌ها زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آن‌ها مثبت است، اما در کشورهایی که در مرحله دوم گذار جمعیتی هستند مانند سوئد، فنلاند، فرانسه و ... خانواده‌گرایی پایین و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده منفی است. روند تغییرات ازدواج و نگرش نسبت به خانواده و ازدواج در کشورهایی مانند ایران، ترکیه، مصر، مالزی و ... نشان می‌دهد که نقش عوامل فرهنگی و به‌ویژه آموزه‌های اسلامی در خانواده‌گرایی و تشکیل خانواده مهم است. بنابراین، روند گذار جمعیتی دوم تک خطی نیست و بر حسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است.

واژگان کلیدی

گذار جمعیتی اول، گذار جمعیتی دوم، خانواده‌گرایی، ازدواج

مقدمه و بیان مسأله

دگرگونی های نهاد خانواده، به عنوان کوچکترین واحد بنیادی جامعه، همیشه مورد توجه صاحب نظران بوده است، زیرا تغییرات نهاد خانواده بر دیگر نهادهای اجتماعی تأثیر می گذارد. اولین تحول عمده در ساختار خانواده مربوط به فرآیند گذار از شیوه معیشت مبتنی بر گردآوری و شکار به کشاورزی است که باعث تغییر خانواده مادر سالار به پدر سالار شد. تغییرات اجتماعی دیگری، که در طی فرآیند توسعه اجتماعی و گذر از جامعه سنتی به مدرن، در عصر جدید به وجود آمده است نیز تغییر خانواده گسترده به هسته ای را باعث شد. امروزه در نهاد خانواده هم تغییرات جمعیت شناختی و هم تغییرات جامعه شناختی ایجاد شده است. منظور از تغییرات جمعیت شناختی تحولاتی است که در میزان باروری زنان، تعداد فرزندان، بُعد خانوار، میزان ازدواج، سن ازدواج، میزان طلاق و غیره اتفاق افتاده است. منظور از تغییرات جامعه شناختی خانواده نیز تحولاتی است که در زمینه نگرش نسبت به تشکیل خانواده و اهمیت نهاد خانواده، روابط اعضای خانواده باهم، ساختار قدرت در خانواده، استقلال زنان، دموکراسی عاطفی و غیره به وجود آمده است. جامعه شناسان در خصوص تغییرات و دگرگونی هایی که در خانواده به وجود آمده است بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته و تغییرات ارزشی ناشی از فرآیند مدرنیته مانند فمینیسم و غیره اشاره دارند. بنابراین، نقش عوامل جمعیت شناختی در این زمینه نادیده گرفته شده است. تورنتون^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است. به نظر فابری^۲ (۲۰۰۰) فردگرایی به زنان اجازه می دهد که تصمیم آن هادر خصوص تشکیل خانواده و فرزندآوری بر علائق شخصی مبتنی باشد (عرفانی و بوکات^۳، ۲۰۰۶: ۵۰). به نظر گیدنز (۱۳۷۹) بروز پدیده ای به نام دموکراسی عاطفی در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنبی جهانی شدن است که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بر مبنای شاخص های دموکراتیک شکل می گیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر می شود. کاوی^۴ (۲۰۰۷) برای تبیین تحولات ساختاری خانواده به جریان فمینیسم اشاره کرده که از نتایج جهانی شدن است.

-
1. Thornton
 2. Folbre
 3. Erfani & Beaujat
 4. Covey



جمعیت شناسان نیز بیشتر تغییرات جمعیت شناختی خانواده مانند تغییرات میزان باروری، کاهش مرگ و میر و به ویژه مرگ و میر کودکان، تغییرات ازدواج و زناشویی، تغییرات بُعد خانوار و ... را بررسی کرده‌اند و با گذار جمعیتی اول^۱ و گذار جمعیتی دوم^۲ به تبیین این تغییرات اقدام کرده‌اند. مهاجرانی (۱۳۷۵) در بررسی وضعیت کشورهای اسلامی بر اساس گذار جمعیتی اول می‌نویسد: به دلیل اشتراک مذهبی نمی‌توان کشورهای اسلامی را گروهی کاملاً متمایز، متفاوت و مجزا از سایر کشورهای در حال توسعه، از نظر ساخت و حرکات جمعیتی دانست. رشاد^۳ (۲۰۰۰) گذار جمعیتی اول در کشورهای عربی را بررسی کرده و معتقد است که تجربه گذار در کشورهای عربی بیشتر شبیه تجربه کشورهای در حال توسعه است. نقش ازدواج در پایین آوردن باروری به تغییرات عمیقی در الگوهای زناشویی در کشورهای عربی اشاره دارد. سوبوتکا^۴ (۲۰۰۸) در بررسی گذار جمعیتی دوم در اروپا نشان داده است که بین گذار جمعیتی دوم و باروری و به ویژه باروری در سنین آخر فرزندآوری رابطه مثبت قوی وجود دارد و گذار جمعیتی الزاماً به باروری زیر سطح جانشینی منجر نمی‌شود. همچنین ماهیت چند وجهی گذار جمعیتی دوم بین گروه‌های مختلف اجتماعی دیده شده است. لستهاق و نیدرز^۵ (۲۰۰۶) در بررسی گذار جمعیتی دوم در ایالات متحده آمریکا نشان دادند که گذار جمعیتی دوم با سطح بالای درآمد، نسبت شهرنشینی، نسبت جمعیت کاتولیک نشین و نسبت جمعیت تحصیلات عالی همبستگی زیادی دارد. سرایی (۱۳۸۵) تغییرات خانواده در جریان گذار جمعیتی در ایران به این نتیجه رسیده است که در جریان گذار جمعیتی ایران روند کلی تغییرات خانواده به لحاظ شکل به سوی هسته‌ای، به لحاظ همسرگزینی به سوی گسترش دایره اختیار دختران و پسران در انتخاب همسر، به لحاظ دوام ازدواج به سوی آسیب‌پذیری بیشتر و به لحاظ فرزندآوری به سوی تقلیل سطح فرزندآوری بوده است. راونرال^۶ و همکاران (۱۹۹۹) در مقایسه گذار جمعیتی دوم در دو کشور کره جنوبی و کانادا به این نتیجه دست یافتند که

1. First demographic transition
2. Second demographic transition
3. Rashad
4. Sobotka
5. Lesthaeghe & Neidert
6. Ravaneral

کره جنوبی گذار جمعیتی دوم را همانند جوامع غربی طی نخواهد کرد، اما تغییراتی در الگوهای خانواده به ویژه روابط زن و شوهر و فرزندان شکل خواهد گرفت. در این پژوهش متغیرهای جمعیتی به عنوان ساخت عینی در نظر گرفته شد که زمینه‌ساز تغییرات ذهنی خانواده است. در این راستا پژوهش حاضر تحولات خانواده را در کشورهای مقایسه می‌کند، که در مراحل مختلف گذار جمعیتی هستند تا از این طریق، نقش گذار جمعیتی در تحولات جامعه شناختی خانواده بررسی شود.

مبانی نظری

از لحاظ پدیده شناسی، گذار جمعیتی اول را باید نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست که در اثر تغییرات مرگ و میر و باروری و در نتیجه اثرگذاری روی رشد طبیعی جمعیت منعکس می‌شود و از سوی دیگر خود منشاء آثار و نتایج اقتصادی و اجتماعی است. گذار جمعیتی اول پس از بررسی تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه یافته امروزی شکل گرفت. این نظریه شرحی بر گذار از میزان تولد و مرگ و میر زیاد به میزان تولد و مرگ و میر کم است (ویکس، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

بنا بر نظریه گذار جمعیتی، روند توسعه جمعیت در همه کشورهای مطابق با الگوی توصیف شده از تحولات تاریخی، باروری و مرگ و میر در کشورهای صنعتی است. در ابتدا درآمد سرانه در سطح پایین و میزان مرگ و میر و میزان باروری در سطح بالاست، افزایش درآمد به کاهش مرگ و میر از طریق بهبود تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی منجر می‌شود. با باقی ماندن باروری در سطح بالا رشد جمعیت افزایش زیادی پیدا می‌کند، بعد از مدتی با افزایش بیشتر درآمد سرانه، باروری کاهش می‌یابد. در مرحله بعدی گذار جمعیتی، میزان مرگ و میر پایین با میزان باروری پایین همراه می‌شود و بنابراین، رشد جمعیت کاهش می‌یابد (استولیک^۱، ۱۹۹۷: ۲۸۹).

فرآیند گذار باروری از طریق دو عامل شدت بیشتری به خود گرفت؛ یکی جنبش زنان و دیگری برابری جنسیتی در تحصیلات پسران و دختران بود (کالدول، ۲۰۰۸: ۴۳۶). کاهش باروری به تدریج زمینه تغییرات اجتماعی دیگری را فراهم می‌کند. تغییراتی مانند تأخیر و کاهش عمومیت ازدواج، تأخیر در فرزندآوری، سطوح بالای طلاق، افزایش خانواده‌های

1. Strulik



ترکیبی، افزایش پذیرش و مقبولیت رفتارهای جنسی خارج از ازدواج، توافق در زمینه بدون فرزند ماندن اختیاری و سقط جنین، موافقت با کار کردن مادرانی که بچه‌های کوچک دارند. بیشتر این تغییرات مقدم بر انقلاب وسایل پیشگیری نبوده است، اما تا حد زیادی تابع آن بوده و به وسیله آن تبیین می‌شود.

هر چند در جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی، کشورهای دیگر جهان نیز در زمینه مرگ و میر و باروری تغییرات جمعیت شناختی داشتند. اما شرایط گذار جمعیتی در همه کشورها متفاوت است زیرا شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها در نحوه تغییرات مرگ و میر و باروری که منجر به گذار جمعیتی شده است بسیار تأثیرگذار بوده است. بنابراین، نظریه گذار جمعیتی با نقدهایی روبرو بوده است. (دیویس، ۱۹۶۳)؛ کالدول (۱۹۷۶) به نقل از لوکاس و میر (۱۳۸۱)، رشاد (۲۰۰۰). بیشتر این اندیشمندان به تفاوت شرایط کشورها در طی کردن گذار جمعیتی اشاره کرده‌اند.

دومین گذار جمعیتی به تغییرات زناشویی و تشکیل خانواده اشاره می‌کند. این تغییرات شامل کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی بدون ازدواج، کاهش عمومی در باروری، افزایش مولید خارج از ازدواج، افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری است (هویم و دورا^۱، ۲۰۰۸: ۳).

کاهش باروری و تأخیر در باروری در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، در اروپای غربی و شمالی با تغییر در هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به زندگی خانوادگی و فرزندآوری همراه شد. تغییر در ارزش‌های خانواده محور به تدریج در اروپای جنوبی و کشورهای سوسیالیستی سابق نیز گسترش پیدا کرد. این تغییرات اندیشه‌ای همراه با انقلاب وسایل پیشگیری از بارداری به تغییرات جمعیت شناختی در خانواده منجر شد. این تغییرات را ون دوکا و لستهاق^۲ گذار جمعیتی دوم نام نهاده‌اند (لستهاق و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۵۰).

همانند اختلاف نظر در گذار جمعیتی اول، در خصوص گذار جمعیتی دوم اختلاف نظر زیاد است زیرا گذار جمعیتی اول مربوط به تغییرات باروری و مرگ و میر بود که به تدریج در همه جوامع با نوساناتی پدید آمد، اما گذار جمعیتی دوم بیشتر مربوط به تغییر رفتارهای

1. Hoem & Dora
2. Van De Ka & Lesthaeghe

تشکیل خانواده و ازدواج است. تشکیل خانواده و ازدواج بیشتر از رفتارهای مرگ و میر و باروری تحت تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورها است. بنابراین، می‌توان گفت که گذار جمعیتی دوم در همه جوامع به همان شکلی که در کشورهای اروپای غربی و شمالی پدید آمده است در کشورهای دیگر اتفاق نخواهد افتاد.

لستهاق و نیلز تفاوت‌های دو گذار جمعیتی را در زمینه‌های ازدواج، باروری و زمینه‌های اجتماعی با همدیگر مقایسه کرده‌اند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی و اجتماعی مرتبط با گذار جمعیتی اول و دوم در اروپای غربی

گذار جمعیتی اول	گذار جمعیتی دوم
<ul style="list-style-type: none"> - افزایش نسبت ازدواج کرده‌ها - کاهش سن اولین ازدواج - کاهش طلاق و افزایش ازدواج مجدد 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش نسبت ازدواج کرده‌ها - افزایش سن اولین ازدواج - افزایش طلاق (طلاق اوایل ازدواج) و کاهش ازدواج مجدد
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش باروری زناشویی از طریق کاهش در سنین بالاتر - پایین بودن سن فرزندآوری - کاهش باروری نامشروع - کاهش بی‌فرزندگی در بین زوجین 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش بیشتر باروری از طریق تأخیر در ازدواج - افزایش سن فرزندآوری - افزایش باروری خارج از ازدواج - افزایش بی‌فرزندگی در بین زوجین
<ul style="list-style-type: none"> - اشتغال با هدف نیازهای اساسی مادی: درآمد، خانه داری، سلامت، تحصیل، امنیت اجتماعی، ارزش همبستگی اولیه - افزایش عضویت سیاسی، مدنی و شبکه‌های اجتماع محور- تقویت همبستگی اجتماعی - نظارت هنجاری شدید به وسیله دولت، تکثر اجتماعی و سیاسی - تفکیک نقش‌های جنسیتی، سیاست‌های مبتنی بر خانواده - تغییرات منظم دوره زندگی، ازدواج محتاطانه و الگوی واحد در خانواده 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش نیازهای سطح بالاتر: استقلال فردی، خود شکوفایی، دموکراسی اجتماع محلی - دوری از شبکه‌های اجتماعی و مدنی محور، تغییر سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام اجتماعی - کم رنگ شدن دولت، سرپیچی از قدرت و اقتدار، عدم تکثرگرایی سیاسی - افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان - انعطاف در سازماندهی چرخه زندگی، شیوه‌های زندگی چندگانه، آینده باز

منبع: (لستهاق و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۳۱).



چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس طرحی است که در نظریات برخی از اندیشمندان اجتماعی به آن اشاره شده است. تصور دورکیم از واقعیات ریختی و توانایی این ریختار برای این که ساخت اجتماعی بر روی آن بنا شود، طرح مارکس از زیر بنا/ روبنای ساخت اجتماعی و نظریه‌های تلفیقی ساخت عینی و ذهنی مانند برساخت‌گرایی است. تحولات فکری و اندیشه‌ای به تغییراتی در جامعه منجر شد که توسعه خوانده می‌شود. جریان توسعه به تدریج شرایطی را در زمینه بهبود بهداشت و تغذیه فراهم کرد که به کاهش مرگ و میر منجر شد. همزمان با کاهش مرگ و میر به تدریج با پیشرفت در زمینه وسایل پیشگیری از بارداری باروری نیز کاهش یافت. تغییرات مرگ و میر و باروری، در فرآیند مدرنیته، گذار جمعیتی اول نام گرفت. گذار جمعیتی اول باعث کاهش بُعد خانواده‌ها شد. کاهش بُعد خانواده پیامدهای جمعیتی و اجتماعی به همراه داشته است که این پیامدها زمینه را برای تغییرات ذهنی خانواده فراهم آورده است. تغییرات ذهنی ناشی از گذار جمعیتی اول به تدریج باعث تغییراتی در زندگی زناشویی و خانوادگی شد این تغییرات گذار جمعیتی دوم نامیده می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت گذار جمعیتی اول و گذار جمعیتی دوم تغییراتی را در ساخت خانواده و روابط بین اعضای خانواده به وجود آورده است که در این پژوهش برای بررسی بهتر به تغییرات جامعه شناختی خانواده گفته می‌شود.

در اینجا رابطه ذهن و عین در سطح خانواده بررسی می‌شود و بر ارتباط متقابل این دو سطح در نهاد اجتماعی خانواده تأکید دارد. گذار جمعیتی دارای نیروی تعیین کنندگی بالقوه‌ای است و تأثیر زیادی در تحولات جامعه دارد، این نقش نباید نادیده گرفته شود. گذار جمعیتی به مانند ریختاری عمل می‌کند که برخی از تحولات جامعه بر اساس این ریختار اتفاق می‌افتند و اگر این ریختار یا زیر بنا نباشد امکان برخی تحولات دیگر در برخی از حوزه‌های زندگی اجتماعی میسر نمی‌شود. با مرور منابع نظری و تجربی به این نتیجه رسیدیم که نظریه گذار جمعیتی قالب مناسبی برای بررسی تحولات جامعه شناختی خانواده می‌باشد. لذا بر اساس نظریه گذار فرضیات زیر تدوین شده است:

- بین شاخص گذار جمعیتی کشورها و میزان خانواده گرایی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شاخص گذار جمعیتی کشورها و نگرش نسبت به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی

هدف اصلی این پژوهش بررسی تحولات جامعه شناختی خانواده در فرآیند گذار جمعیتی است. بررسی تحولات جامعه شناختی خانواده در گذر زمان نیازمند یک مطالعه طولی است. مطالعه طولی نیازمند زمان و شرایط خاص خود بوده و کمتر امکان پذیر است. چون در این پژوهش گذار جمعیتی بررسی شد و همه کشورها در یک مرحله مشابه از گذار جمعیتی نیستند. بنابراین، می توان به جای مطالعه طولی از یک مطالعه مقطعی استفاده کرد و به اهداف پژوهش نایل آمد. در اینجا به جای مطالعه یک کشور خاص در گذر زمان که مراحل مختلف گذار جمعیتی را پشت سر می گذارد و به جای مقایسه تحولات جامعه شناختی خانواده در مراحل مختلف گذار، کشورهای مختلف انتخاب شده اند که در مراحل مختلف گذار جمعیتی هستند و ویژگی های جامعه شناختی خانواده در آن ها مقایسه شده است.

جامعه آماری این پژوهش تمام کشورهای جهان بود. بنابراین، واحد تحلیل کشور و نمونه پژوهش شامل کشورهایی بود که پیمایش جهانی سنجش نگرش ها در سال ۲۰۰۵ در آن ها انجام شده است. در سال ۲۰۰۵، در ۵۲ کشور در مناطق مختلف جهان پیمایش مذکور انجام شد. بنابراین، نمونه پژوهش تمام ۵۲ کشور بود و به نوعی در این پژوهش از نمونه گیری در دسترس استفاده شد. دو کشور تایوان و رواندا به علت فقدان داده های جمعیتی برای این کشورها، حذف شدند. پس در نهایت نمونه پژوهش شامل ۵۰ کشور شد.

گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو شیوه بود. داده های جمعیت شناختی برای ۵۰ کشور نمونه از سایت صندوق جمعیت سازمان ملل و همچنین سایت جمعیتی به نشانی www.prb.org تهیه شده است. شایان ذکر است چون داده های پیمایش جهانی نگرش ها و همچنین داده های جمعیتی مربوط به سال ۲۰۰۵ است. داده های نگرش نسبت به خانواده و ازدواج نیز از پیمایش سنجش نگرش سال ۲۰۰۵ به نشانی www.wvs.com تهیه شده است. شایان ذکر است که طرز استفاده از داده های پیمایش جهانی سنجش ارزش ها بدین صورت بوده که برای هر کشور میانگین هر گویه برای پاسخگویان آن کشور در نظر گرفته شده است. این پیمایش را اینگلهارت و همکارانش در کشورهای مختلف، از سال ۱۹۸۱ هر سال در برخی کشورهای جهان انجام می دادند. برای بررسی وضعیت گذار جمعیتی کشورها از تحلیل خوشه ای استفاده کرده اند. برای تحلیل داده ها در سطح آمار توصیفی از



آماره‌های گرایش به مرکز و جداول یک متغیره، جداول توافقی و در سطح آمار استنباطی از ضرایب همبستگی به منظور ارتباط بین متغیرها استفاده شده است.

عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش، اعتبار و پایایی متغیرها

در این پژوهش گذار جمعیتی اول و دوم به عنوان یک شاخص تحت عنوان گذار جمعیتی با هم ترکیب شده‌اند. متغیرهای دیگر پژوهش شامل میزان خانواده گرایی و نگرش نسبت به ازدواج است. برای عملیاتی کردن شاخص ترکیبی گذار جمعیتی از ۱۲ متغیر جمعیت شناختی استفاده شد. برای اعتبار شاخص‌ها از اعتبار محتوایی به شیوه صوری استفاده شد. اعتبار محتوا با استفاده از نسبت CVR^۱ لاش^۲ اندازه‌گیری شد و برای پایایی شاخص‌ها نیز از همبستگی درونی گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

لاش برای به‌وجود آمدن توافق در میان داوران یا اعضای پانل متخصص موضوع (SEM)^۳، در خصوص ضروری بودن وجود گویه یا آیتم، برای اندازه‌گیری مفهوم یا سازه روشی به‌دست داد. هر ارزیاب نظر خود را با بله یا خیر در خصوص ضروری بودن وجود گویه اعلام می‌کند و با توجه به فرمول زیر نسبت اعتبار محتوا درباره هر گویه اندازه‌گیری می‌شود:

$$CVR = (ne - N/2) / (N / 2)$$

CVR = نسبت اعتبار محتوا برای گویه

ne = تعداد افرادی که وجود گویه یا آیتم را برای اندازه‌گیری مفهوم یا سازه ضروری دانسته‌اند.

N = تعداد اعضای پانل یا داوران

دامنه مقدار CVR بین +۱ و -۱ است. اگر این نسبت برابر با صفر شود بیان‌کننده این است که ۵۰ درصد از داوران در پانل، از تعداد N نفر، وجود گویه را ضروری تشخیص داده‌اند و نسبت بیشتر از صفر نشان می‌دهد که بیشتر از نصف داوران پانل معتقد هستند که گویه برای اندازه‌گیری مفهوم یا سازه ضروری است و بنابراین روایی صوری دارد (لاش، ۱۹۷۵: ۵۶۸).

1. Content validity ratio
2. Lawshe
3. Subject- matter- experts

جدول ۲: اعتبار محتوا و پایایی شاخص گذار جمعیتی

شاخص	متغیر	آماره	ضروری است	ضروری نیست	نسبت CVR	همبستگی درونی گویه‌ها	ضریب آلفا
گذار جمعیتی اول	۱- میزان مرگ و میر کودکان	۸	○	○	۱	۰/۹۰	/۹۸
	۲- میزان باروری کل	۸	○	○	۱	۰/۸۹	
	۳- امید زندگی در بدو تولد زنان	۸	○	○	۱	۰/۸۸	
	۴- امید زندگی در بدو تولد مردان	۸	○	○	۱	۰/۸۷	
گذار جمعیتی دوم	۵- میانگین سن ازدواج زنان	۸	○	○	۱	۰/۹۵	/۸۸
	۶- میانگین سن ازدواج مردان	۸	○	○	۱	۰/۹۰	
	۷- نسبت تجرد ۱۹-۱۵ زنان	۸	○	○	۱	۰/۷۱	
	۸- نسبت تجرد ۲۴-۲۰ مردان	۸	○	○	۱	۰/۸۰	
	۹- نسبت تجرد قطعی زنان	۸	○	○	۱	۰/۶۶	
	۱۰- نسبت تجرد قطعی مردان	۸	○	○	۱	۰/۷۹	
	۱۱- نسبت طلاق زنان	۸	○	○	۱	۰/۶۶	
	۱۲- نسبت طلاق مردان	۸	○	○	۱	۰/۷۹	

نسبت CVR نشان دهنده میزان ضروری بودن گویه برای اندازه گیری شاخص مربوطه است. با توجه به جدول حداقل نسبت CVR بر حسب تعداد داوران نسبت کمتر از ۰/۷۵ نشان دهنده ضروری نبودن گویه برای اندازه گیری شاخص مربوطه است.

جدول ۳: اعتبار محتوای و پایایی شاخص‌های خانواده گرایی، نگرش نسبت به ازدواج و نابرابری جنسیتی

شاخص	گویه	ضروری است	ضروری نیست	نسبت CVR	همبستگی درونی گویه‌ها	ضریب آلفا
اندازه گرایی	۱- تاچه حد خانواده در زندگی شما مهم است؟	۵	○	۱	۰/۳۹	/۶۵
	۲- بچه در خانه هم به پدر و هم به مادر نیاز دارد.	۵	○	۱	۰/۴۵	
	۳- زن به عنوان سرپرست تنها	۵	○	۱	۰/۶۳	
	۴- یکی از اهداف اصلی من در زندگی کسب افتخار برای والدینم بوده است.	۵	○	۱	۰/۷۴	
نگرش جنسیتی	۷- زوج‌های ازدواج نکرده که با هم زندگی می‌کنند به عنوان همسایه می‌پذیرید؟	۵	○	۱	۰/۶۶	/۸۷
	۸- ازدواج یک نهاد قدیمی است.	۵	○	۱	۰/۷۴	
	۱۰- چقدر فحشا و خودفروشی موجه است؟	۵	○	۱	۰/۷۵	
	۱۲- چقدر طلاق موجه است؟	۵	○	۱	۰/۷۹	



با توجه به مقایسه نسبت CVR به دست آمده و نسبت CVR مورد انتظار، به نظر داوران گویه‌ها برای سنجش شاخص‌های مورد نظر اعتبار لازم را دارند. ضریب آلفا برای شاخص‌های فوق و ضرایب همبستگی درونی بین گویه‌ها نشان دهنده پایایی لازم برای اندازه‌گیری شاخص‌هاست.

برای به دست آوردن نمره شاخص‌ها ابتدا گویه‌های هر شاخص هم علامت شده و سپس مجموع نمره استاندارد آن‌ها به عنوان نمره شاخص در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است که سطح سنجش متغیرهای جمعیت شناختی فاصله‌ای و برای گویه‌های جامعه شناختی برای نمره هر کشور از میانگین پاسخگویان آن کشور یا درصد موافقت یا مخالفت پاسخگویان کشورها نسبت به یک گویه استفاده شد. بنابراین، سطح سنجش این گویه‌ها نیز فاصله‌ای است.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی وضعیت کشورها در طی فرآیند گذار جمعیتی با استفاده از متغیرهای جمعیت شناختی از تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. این روش به محقق امکان می‌دهد تا بر مبنای همگنی موجود در بین موارد یا موضوعات مورد مطالعه، آن‌ها را به شیوه‌ای مناسب طبقه بندی کند. در جدول زیر طبقه بندی کشورها بر حسب مراحل گذار با استفاده از تحلیل خوشه‌ای آمده است. در ضمن برای هر خوشه میانگین و برخی شاخص‌های توصیفی برای برخی متغیرها نیز گزارش شده است. شایان ذکر است برای بهتر شدن خوشه بندی برخی از شاخص‌های گذار جمعیتی مذکور در جدول ۲ حذف شده‌اند.

جدول ۴ طبقه بندی کشورها را بر حسب مراحل گذار جمعیتی نشان می‌دهد. بر اساس میانگین، حداقل و حداکثر هر متغیر برای هر خوشه می‌توان محدوده مراحل گذار جمعیتی اول را مشخص کرد.

جدول ۴: نتایج تحلیل خوشه‌ای برای طبقه بندی کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی

خوشه‌ها	شاخص	میزان باروری کل	میزان مرگ کودکان	امید زندگی مردان	امید زندگی زنان	سن ازدواج مردان	سن ازدواج زنان	تجرد سن زن	تجرد سن مرد	تجرد قطعی مردان	آماره	
											میانگین	انحراف معیار
۱. بوزکینا فاسو	میانگین	۶.۳	۱۰۳	۴۲.۳	۴۳.۶	۲۴.۹	۱۹.۲	۶۳.۸	۶۷	۰.۸۹	میانگین	۶.۳
مالی	انحراف معیار	۰.۷	۲۶.۹	۴.۵	۵.۸	۱.۰۵	۱.۳	۱۴.۸	۷.۳	۰.۶۲	انحراف معیار	۰.۷
زامبیا	حداقل	۵.۷	۸۱	۳۸	۳۷	۲۴	۱۷.۸	۴۷.۴	۵۸.۶	۰.۳	حداقل	۵.۷
	حداکثر	۷.۱	۱۳۳	۴۷	۴۸	۲۶.۱	۲۰.۵	۷۶.۲	۷۱.۹	۱.۵	حداکثر	۷.۱
۲. اتیوپی - غنا	میانگین	۴.۸	۸۵	۵۲.۸	۵۵.۲	۲۵.۹	۲۲	۸۳.۴	۷۵.۳	۱.۶	میانگین	۴.۸
هند-عراق	انحراف معیار	۱.۷	۲۱.۵	۷.۹	۷.۷	۰.۹۴	۱.۴	۹.۵	۶.۷	۰.۸۶	انحراف معیار	۱.۷
رواندا	حداقل	۳	۶۰	۴۲	۴۵	۲۴.۳	۲۰.۲	۷۳.۴	۶۵.۲	۰.۷	حداقل	۳
	حداکثر	۵.۹	۱۰۷	۶۱	۶۳	۲۶.۶	۲۳.۷	۹۷.۱	۸۲	۳	حداکثر	۵.۹
۳. برزیل، شیلی، چین، مصر، اندونزی، ایران، اردن، مراکش، رومانی، روسیه، ترکیه، اوکراین، آمریکا، پرو، مالزی، صربستان، تایلند، بلغارستان، آرژانتین، لهستان، مکزیک، انگلیس، قبرس، مولداوی، نیوزیلند، ترینیداد، وینام، کلمبیا، آفریقای جنوبی	میانگین	۲.۱	۲۰.۴	۶۸.۶	۷۴.۳	۲۷.۵	۲۴.۵	۹۱.۱	۸۰.۸	۶.۸	میانگین	۲.۱
	انحراف معیار	۰.۶۷	۱۲.۴	۵.۲	۵.۱	۱.۵	۱.۴	۴.۳	۷.۲	۴.۵	انحراف معیار	۰.۶۷
	حداقل	۱.۲	۵۰	۵۳	۵۳	۲۵	۲۱.۹	۸۲.۹	۶۲.۲	۱.۲	حداقل	۱.۲
	حداکثر	۳.۷	۴۶	۷۶	۸۱	۳۱.۲	۲۸	۹۸.۸	۹۲.۱	۲۰.۲	حداکثر	۳.۷
۴. استرالیا، هنگ کنگ، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، کره، جنوبی، اسلواونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس	میانگین	۱.۴	۳.۸	۷۶.۵	۸۲.۶	۳۲.۶	۳۰.۳	۹۹.۴	۹۶.۶	۱۶.۳	میانگین	۱.۴
	انحراف معیار	۰.۲۸	۰.۷۷	۱.۸	۱.۶	۰.۹۴	۰.۹۰	۰.۲۷	۱.۴	۷.۱	انحراف معیار	۰.۲۸
	حداقل	۱	۲.۵	۷۳	۸۰	۳۱.۱	۲۹.۳	۹۸.۸	۹۳.۵	۳.۴۵	حداقل	۱
	حداکثر	۱.۹	۵	۷۹	۸۵	۳۴.۳	۳۲.۲	۹۹.۸	۹۸.۴	۲۹.۹	حداکثر	۱.۹

کشورهای گروه اول کشورهای هستند که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند. در کشورهای این خوشه میزان مرگ و میر کودکان زیاد است (میانگین ۱۰۳ در هزار) بنابراین، امید زندگی هم بسیار پایین است (میانگین ۴۲.۳ سال برای مردان و ۴۳.۶ سال برای زنان). به دلیل این که مرگ و میر کودکان زیاد است، والدین امید چندانی به بزرگ شدن فرزندان خود ندارند پس زنان باروری خود را بالا نگه می‌دارند. بنابراین، در این کشورها میزان باروری هنوز در سطح طبیعی است و تقریباً کنترل زیادی در باروری زنان دیده نمی‌شود (میانگین باروری کل برای این دسته از کشورها ۶.۳ فرزند برای هر زن است). عوامل دیگری نیز در افزایش سطح باروری در این کشورها تأثیر گذار هستند: سن ازدواج زنان پایین است (میانگین ۱۹.۲ سال) و نسبت تجرد در گروه سنی ۱۹-۱۵، که پیش‌رسی ازدواج را نشان می‌دهد، نسبت به کشورهای دیگر پایین است (۶۳.۸) بنابراین، زنان زمان بیشتری در معرض باروری قرار دارند. گروه دوم شامل کشورهای است که در مرحله میانی گذار جمعیتی اول هستند. در این کشورها



شرایط مرگ و میر بهتر شده (میانگین میزان مرگ و میر کودکان ۸۵ در هزار، امید زندگی ۵۲.۸ برای مردان و ۵۵.۲ برای زنان)، میزان باروری هم کاهش یافته (میزان باروری کل ۴.۸)، سن ازدواج افزایش و پیش‌رسی ازدواج کاهش پیدا کرده است (درصد مجرد ۱۹-۱۵ زنان ۸۳.۴ و برای مردان ۷۵.۳ درصد).

گروه سوم شامل کشورهایی است که به طور کلی با توجه به شرایط باروری و مرگ و میر آن‌ها می‌توان گفت در مرحله پایانی گذار جمعیتی اول هستند هر چند در بین این کشورها تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود، برخی از این کشورها حتی گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند. میزان باروری در این کشورها به سطح جانشینی رسیده است (میانگین میزان باروری کل ۲.۱ فرزند برای هر زن). شرایط مرگ و میر نسبت به کشورهایی که گذار جمعیتی را پشت سر نگذاشته‌اند بسیار بهتر شده است. میانگین میزان مرگ و میر کودکان در این کشورها ۲۰ در هزار و امید زندگی در بدو تولد ۶۸.۶ سال برای مردان و ۷۴.۳ سال برای زنان است. برخی از این کشورها وارد مرحله گذار جمعیتی نیز دوم شده و در وضعیت زناشویی تغییرات اساسی داشته‌اند؛ میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس افزایش یافته است (مردان ۲۷.۵ سال و زنان ۲۴.۵ سال)، افراد دیرتر ازدواج می‌کنند. بنابراین، پیش‌رسی ازدواج کاهش یافته و نسبت مجرد قطعی نیز نسبت به کشورهای دو گروه قبلی افزایش جالب توجهی یافته است.

گروه چهارم کشورهایی را شامل می‌شود که چند دهه‌ای است وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند. این کشورها از دهه ۱۹۸۰ تحولات زناشویی عمده‌ای را تجربه کرده‌اند. تداوم باروری بسیار پایین و در سطح جانشینی در طی این مدت به این تحولات کمک کرده است. تحولات زناشویی و ازدواج مانند افزایش سن ازدواج، افزایش همخانگی‌های بدون ازدواج، افزایش طلاق، افزایش نسبت مجرد و افزایش تعداد زنان بدون بچه باعث شده است که میزان باروری کل به پایین‌تر از سطح جانشینی کاهش یابد (میانگین ۱.۴ فرزند برای هر زن). سن ازدواج برای مردان به ۳۲.۶ و برای زنان به ۳۰.۳ سال افزایش یافته است. به طور میانگین در این کشورها پیش‌رسی ازدواج تقریباً دو درصد است. درصد مجرد قطعی بسیار افزایش یافته است، همچنان که جدول نشان می‌دهد به طور میانگین در این کشورها ۱۶.۳ درصد از مردان اصلاً ازدواج نمی‌کنند.

طبق تحلیل خوشه‌ای که در بالا انجام شده است کشور ایران در خوشه سوم گذار جمعیتی قرار دارد، اما وضعیت ایران بر حسب متغیرهای گذار جمعیتی اول و دوم متفاوت است؛ یعنی بر حسب ویژگی‌های باروری و مرگ و میر کشور ایران در بین کشورهای خوشه سوم

وضعیت بسیار بهتری دارد و در رتبه‌های بالای کشورهای خوشه سوم قرار می‌گیرد، اما بر حسب ویژگی‌های ازدواج و زناشویی در رتبه‌های آخر کشورهای خوشه سوم قرار می‌گیرد. میزان باروری کل در ایران (۲.۱) نزدیک سطح جانشینی است، اما بالا بودن میزان مرگ و میر کودکان (۳۲ در هزار) باعث شده است میزان امید زندگی در ایران هم سطح کشورهای نباشد که میزان باروری شبیه ایران دارند (۶۹ سال برای مردان و ۷۲ سال برای زنان). به طور کلی در خصوص وضعیت گذار جمعیتی ایران می‌توان گفت: کشور ایران گذار جمعیتی اول را طی کرده است، اما هنوز پیامدهای تغییرات نسلی کاهش باروری به سطح جانشینی خیلی مشهود نیست و نیاز به زمان دارد و در آینده این پیامدها به ویژه در زمینه ازدواج و زناشویی دیده خواهد شد. به عنوان مثال برای اولین بار در سرشماری ۱۳۸۵ توزیع درصدی ابعاد خانوارها در ایران تغییرات اساسی داشته است (مرکز آمار ایران). درصد خانوارهای ۷ نفره و بیشتر از ۲۱.۳ درصد در سرشماری ۱۳۷۵ به ۸.۵ درصد کاهش یافته است، خانوارهای ۶ نفره نیز از ۱۲.۷ درصد به ۸.۳ درصد کاهش یافته‌اند و برعکس درصد خانوارهای یک، دو، سه و چهار نفره افزایش یافته است. بنابراین، تأثیر کاهش باروری زنان بر بُعد خانوارهای ایرانی در سرشماری ۱۳۸۵ کاملاً مشهود است و در آینده این تأثیر بیشتر خواهد بود.

وضعیت ایران بر اساس ویژگی‌های گذار جمعیتی دوم کمی متفاوت از کشورهای دیگری است که این مراحل را طی کرده‌اند زیرا همچنان که در برخی کشورهایی که گذار جمعیتی اول را طی کرده‌اند مانند تایلند، مصر، مالزی، شیلی، کلمبیا و... تغییرات اساسی در ویژگی‌های ازدواج و زناشویی در ایران دیده نشده است. فقط می‌توان گفت میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس و به ویژه برای زنان افزایش یافته است، اما در مقایسه با سایر کشورهایی که وضعیت گذار جمعیتی اول ایران را دارند این افزایش نیز زیاد نیست (میانگین سن ازدواج زنان ۲۳.۵ سال و مردان ۲۶.۴ سال است). میزان پیش‌رسی ازدواج در ایران هنوز رقم جالب توجهی است؛ بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ ایران ۱۸ درصد زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ ازدواج کرده‌اند. مجرد قطعی برای هر دو جنس بسیار پایین است (۱.۸۵ برای زنان و ۱.۳۵ برای مردان). نتیجه‌ای دیگر که از وضعیت گذار جمعیتی دوم در ایران می‌توان گرفت این است که گذار جمعیتی دوم که بر اساس وضعیت زناشویی و ازدواج است بیشتر تحت تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورها قرار دارد تا گذار جمعیتی اول که تابع باروری و مرگ و میر است. بنابراین، کشور ایران همانند

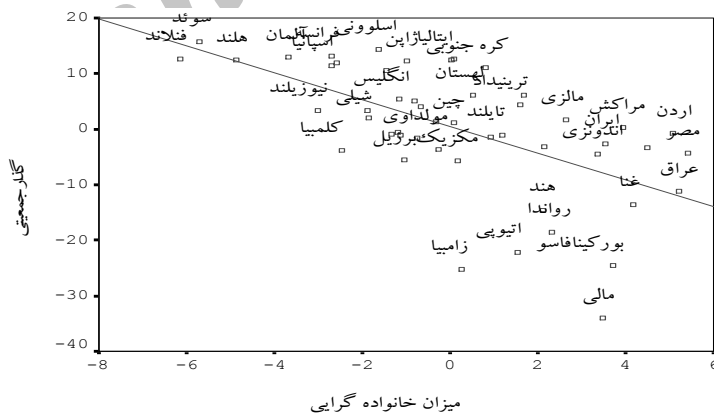


سایر کشورهای اسلامی تغییرات اساسی در زمینه ازدواج و زناشویی نداشته است و حتی برخی تغییرات مانند همخانگی، مولید نامشروع به ندرت در این کشورها دیده می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها

بررسی رابطه بین میزان خانواده گرایی در طی گذار جمعیتی

دامنه نمرات شاخص گذار جمعیتی بین ۱۵.۷۴ تا ۳۳.۹۵- است. بالاترین نمره مربوط به کشورهای سوئد (۱۵.۷۴) و اسلوانی (۱۴.۳۸) است. این کشورها وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند. کمترین نمره مربوط به کشورهای مالی (۳۳.۹۵-) و زامبیا (۲۵.۳۳-) است. این کشورها هنوز در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند. دامنه نمرات شاخص میزان خانواده گرایی بین ۵.۴۱ تا ۶.۱۳- است. کشورهایی که از این شاخص بالاترین نمره را گرفته‌اند میزان خانواده گرایی و اهمیت خانواده در بین جمعیت آن‌ها زیاد است برعکس کشورهایی که از این شاخص نمره کمتری را گرفته‌اند میزان اهمیت خانواده در آن‌ها در سطح پایینی است. بالاترین نمره مربوط به کشورهای مصر (۵.۴۱) و عراق (۵.۲) و کمترین نمره مربوط به کشورهای فنلاند (۶.۱۳-) و سوئد (۵.۷۳-) است. نمودار پراکنش تصویر بهتری از میزان دو شاخص خانواده گرایی و گذار جمعیتی کشورها را نشان می‌دهد. در ضمن برای بررسی رابطه بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.



شکل ۱: نمودار پراکنش رابطه بین شاخص میزان خانواده گرایی و شاخص گذار جمعیتی

$$r = - ۰/۵۹۷$$

$$\text{sig} = ۰/۰۰۱$$

$$n = ۵۰$$

همچنان که نمودار پراکنش نشان می‌دهد کشورهای که گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند و وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند میزان خانواده‌گرایی در این کشورها پایین است مانند کشورهای فنلاند، سوئد، هلند، اسپانیا، آلمان، فرانسه و ...، برعکس کشورهای مانند مالی، بورکینافاسو، عراق، غنا، اتیوپی، زامبیا و ... که هنوز گذار جمعیتی اول را پشت سر نگذاشته‌اند میزان خانواده‌گرایی در آنها بالا است.

کشورهایی که گذار جمعیتی اول را طی کرده‌اند و در آغاز گذار جمعیتی دوم هستند میزان خانواده‌گرایی در آنها در حد متوسط است مانند مکزیک، برزیل، چین، تایلند و ضریب همبستگی منفی بین دو شاخص نشان می‌دهد هر چه کشورها در مراحل بالاتر گذار جمعیتی هستند میزان خانواده‌گرایی در بین آنها کم است و برعکس.

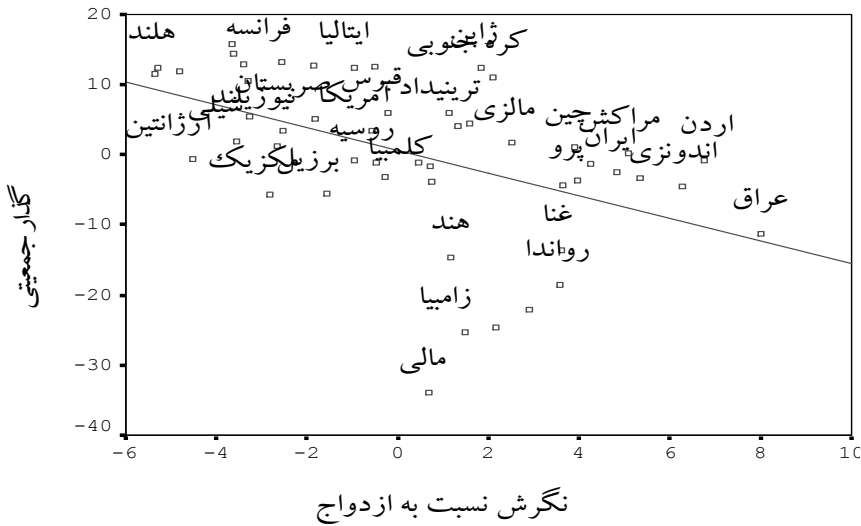
شایان ذکر است که برخی کشورها مانند ایران، مصر، مالزی مراحل گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند، اما همچنان میزان خانواده‌گرایی در آنها زیاد است. در این زمینه می‌توان به نقش عوامل فرهنگی و به ویژه آموزه‌های دین اسلام در راستای اهمیت خانواده اشاره کرد که باعث شده است به‌رغم پشت سر گذاشتن گذار جمعیتی اول میزان خانواده‌گرایی در این کشورها زیاد باشد.

بررسی رابطه بین نگرش نسبت به ازدواج و گذار جمعیتی

دامنه نمرات شاخص نگرش نسبت به ازدواج بین ۵.۳۵- تا ۸ است. بالاترین نمره به کشورهای عراق (۸) و اردن (۶.۷۷) و کمترین نمره به کشورهای اسپانیا (۵.۳۵-) و هلند (۵.۳-) مربوط است.

کشورهایی که نمره بالاتری از این شاخص گرفته‌اند مانند عراق و اردن نگرش مثبتی نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده دارند، اما کشورهای که نمره کمتری از این شاخص گرفته‌اند نگرش منفی نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده دارند.

نمودار پراکنش تصویر بهتری از این مسأله را نشان می‌دهد. برای بررسی رابطه بین نگرش نسبت به ازدواج و گذار جمعیتی نمودار پراکنش بین دو متغیر و ضریب همبستگی آمده است:



شکل ۲: نمودار پراکنش رابطه بین شاخص نگرش نسبت به ازدواج و شاخص گذار جمعیتی

$$r = -0.483 \quad sig = 0.001 \quad n = 50$$

با توجه به نمودار پراکنش می‌توان گفت کشورهایمانند هلند، فرانسه، نیوزیلند، ایتالیا، آرژانتین، شیلی و... نگرش منفی نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده دارند زیرا کشورها عمدتاً وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند و پیامدهای نسلی تغییرات باروری و گذار جمعیتی اول را تجربه کرده‌اند. کشورهایمانند عراق، اردن، اندونزی، ایران، مراکش، پرو، چین و... نگرش مثبتی نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. می‌توان گفت این کشورها هنوز تحولات عمده‌ای در شاخص‌های جمعیت شناختی ازدواج نداشته‌اند. در خصوص کشورهای اسلامی نیز می‌توان گفت نقش آموزه‌های دینی در تشکیل خانواده و ازدواج در این زمینه مهم است. ضریب همبستگی منفی بین دو متغیر نشان می‌دهد هر چه کشورها در مراحل بالاتر گذار جمعیتی هستند نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده نگرش منفی دارند و برعکس.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش گذار جمعیتی در تحولات جامعه شناختی نهاد خانواده است. به نظر نگارنده بعد از کارهای اولیه دورکیم و مالتوس در خصوص نقش عوامل

جمعیتی در جامعه، این نقش در تبیین تحولات جامعه به طور کل و نهاد خانواده به طور خاص نادیده گرفته شده است. متغیرهای جمعیت شناختی را (که در طی فرآیند گذار جمعیتی مکانیسم‌های خاصی را به وجود می‌آورند)، می‌توان به بستری در نظر گرفت که در پهنه آن عملکردهای اجتماعی درون خانواده شکل می‌گیرد.

یافته‌های تجربی پیش بینی‌های چارچوب نظری را تأیید می‌کنند. یعنی متغیرهای جمعیت شناختی و در اینجا گذار جمعیتی به عنوان شرایط عینی می‌تواند در شکل‌گیری تحولات خانواده نقشی مهم داشته باشد. همچنان که آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد ساخت خانواده در کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است. کشورهایی مانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند میزان خانواده‌گرایی در بین آن‌ها زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آن‌ها مثبت است، اما کشورهایی که گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته و بیش از دو دهه است که وارد گذار جمعیتی دوم شده‌اند مانند سوئد، فنلاند، فرانسه، هلند، اسلونی و... تغییر و تحولات متغیرهای جمعیتی مانند تغییر در نرخ ازدواج و طلاق، افزایش نسبت تجرد قطعی و پیوندهای توافقی مکانیسمی را فراهم کرده است که نگرش جمعیت این کشورها نسبت به خانواده و مسائل آن از کشورهایی دیگر متفاوت باشد؛ میزان خانواده‌گرایی در این کشورها پایین است، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده منفی است. از یافته‌های پژوهش در خصوص برخی کشورها به ویژه کشورهای اسلامی مانند ایران، مالزی، اندونزی، مصر، اردن و... چنین استنباط می‌شود که گذار جمعیتی دوم در امتداد صرف گذار جمعیتی اول نیست. با توجه به ساختار فرهنگی این کشورها و نقش آموزه‌های اسلامی در خصوص تشکیل خانواده و ازدواج این کشورها تحولات عمده‌ای در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده نداشته‌اند. هرچند تغییراتی در خصوص افزایش سن ازدواج، کاهش نسبت پیش‌رسی ازدواج و... داشته‌اند، اما همانند کشورهای اروپای غربی یا کشورهایی که به تازگی گذار جمعیتی اول را پشت سر گذاشته‌اند مانند شیلی، آرژانتین، پرو، کره جنوبی، ژاپن و... در زمینه ازدواج تغییرات اساسی نداشته‌اند. پس ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورها در تغییر و تحولات ازدواج و تشکیل خانواده نقشی مهم دارد.

بنابراین، به عنوان سخن آخر می‌توان گفت لازم است نقش متغیرهای جمعیت شناختی به عنوان ساخت عینی در شکل‌گیری ساخت‌های ذهنی در جامعه و در اینجا در نهاد خانواده مهم تلقی شوند.



منابع

- سرایبی، حسن، (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۲(۱۳۸۵)، ۳۷-۶۰.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۹). *جهان رها شده*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، نو.
- لوکاس، دیوید و میر، پاوول، (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.
- مهاجرانی، علی اصغر، (۱۳۷۵). *نظریه انتقالی جمعیت در کشورهای اسلامی*، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۸(۱۳۷۵)، ۱۶۲-۱۴۱.
- ویکس، جان، (۱۳۸۵). *جمعیت*، ترجمه الهه میرزایی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- Caldwell, J. C, (2008). Three Fertility Compromises and Two Transitions, *Population Research Policy Review*, Vol. 27 (2008), 427-44.
- Covey, M, (2007). Work and Families, *Michigan Family Review*, Vol. 12(2007), 1-6.
- Erfani, A & Beaujot, R, (2006). Familial Orientations and the Rationales for Childbearing Behavior, *Canadian Studies in Population*, Vol. 33.No. 1(2006), 49-67.
- Hoem, J. M & Dora, k, (2008). Traces of the Second Demographic Transition in Four Selected Countries in Central and Eastern Europe: Union Formation as a Demographic Manifestation”, *Euro J Population*, DOI 10.1007/s10680-009-9177-y.
- Lawshe, C.H, (1975). A quantitative approach to content validity, *Personal Psychology*, Vol. 28 No. 4 (1975), 563-575.
- Lesthaeghe, R & Neels, K, (2002). From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *European Journal of Population*, Vol. 18(2002), 325-360.
- Lesthaeghe, R & L. Neidert, (2006). The second demographic transition in the United States: Exception or textbook example? *Population and Development Review*, Vol. 32 No. 4(2004), 669-698.
- Rashad, H, (2000). Demographic transition in Arab countries: a new perspective, *Journal of Population Research*, Vol. 17 No. 1(2000), 83 -101.
- Ravaneral, Z. R & et al, (1999). Should a second demographic transition follow the first? Demographic contrasts: Canada and South Korea, *Social Indicators Research*, Vol. 47(1999), 99-118.
- Sobotka, T & Toulemon, L, (2008). changing family and partnership behaviour:

- Common trends and persistent diversity across Europe, *demographic-research*, Vol. 19 No. 6(2008), 85-138.
- Strulik, H,(1997). Learning-by-doing, population pressure, and the theory of demographic transition, *Journal Population Economics*, Vol. 10(1997), 285–298.(<http://www.prb.org> 20/05/2010) &(<http://www.wvs.com> 10/03/2010).

Archive of SID



نویسندگان

vakilahmadi@gmail.com

دکتر وکیل احمدی

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان ۱۳۹۰
 عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، عضو انجمن جمعیت‌شناسی ایران
 پژوهش‌های او در زمینه جمعیت و توسعه، مسائل اجتماعی ایران است. دارای سه طرح
 پژوهشی، و چندین مقاله علمی پژوهشی و ترویجی و تخصصی است همچنین در بیش از
 ۱۰ همایش داخلی مقاله ارائه داده است.

v.ghasemi@ltr.ui.ac

دکتر وحید قاسمی

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان ۱۳۸۲
 پژوهش‌های او در زمینه روش تحقیق، جامعه‌شناسی سیاسی و سرمایه اجتماعی است.
 دارای ۶ عنوان کتاب، ۴۰ مقاله علمی پژوهشی است.

shkazempour@gmail.com

دکتر شهلا کاظمی پور

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
 دانشیار و معاون پژوهشی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
 پژوهش‌های او در زمینه مطالعات خانواده و مهاجرت است. دارای ۲ عنوان کتاب، ۱۰
 مقاله علمی پژوهشی، بیش از ۱۵ طرح پژوهشی و ارائه مقاله در بیش از ۲۰ همایش
 داخلی و ۱۲ همایش بین‌المللی است.